

● در قسمت اول این گزارش که در شماره گذشته به چاپ رسید، گفته شد که الگوی مصرفی امری انتزاعی و مجرد از دیگر مفاهیم اقتصادی و اجتماعی نیست. بلکه عمدتاً خود نمودی از ساختار اقتصادی و حتی از آن هم مهمتر، معلول نحوه و کیفیت توزیع درآمد میان اقشار جامعه است.

در تائید این نظریه نیز به ارقام و آماری استناد شد که نشان می داد طی سه دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با آنکه درآمد سرانه در ایران افزایش یافت، اما توزیع درآمد در جوامع شهری و روستایی و بین گروههای مختلف آنها ناعادلانه بود. در نتیجه گرچه مصرف سرانه در سطح کشور افزایش یافت اما این مصرف نه تنها در نواحی شهری چند برابر نواحی روستایی بود، بلکه در بین اقشار مختلف جوامع شهری و روستایی نیز متفاوت بود و حساسترین نقش را گروههای بالایی هریک از دو جامعه و به خصوص جامعه شهری ایفا

می کرد. و گفته شد که نقش واقعی خانوار از لحاظ فرهنگی و تمایلات حقیقی، رابطه ضعیفی با الگوی مصرف دارد، تا آنجا که سختی می توان الگوی مصرف را تنها مرتبط با رفتار و گرایشهای خانوارها دید.

از این رو برای هرگونه بحث پیرامون الگوی مصرف نخست باید به این پرسشها پاسخ گفت که چگونه درآمد سرانه افزایش یافته است؟ جامعه شهری چگونه گسترش یافت و نحوه تأمین نیازهای مصرفی اقشار جامعه چگونه بود؟

در شماره گذشته پیرامون عوامل مؤثر در افزایش درآمد سرانه ارزیابی نقش هریک از بخشهای اقتصادی در آن بحث شد و در این شماره ضمن تشریح چگونگی رشد و گسترش بخش خدمات و شهرها، نحوه تأمین نیازهای مصرفی اقشار جامعه تا پیش از پیروزی انقلاب بیان می شود.

الگوی مصرف و ساخت اقتصادی

گزارش کمیته برنامه ریزی صنعت استان اصفهان

تحولات بخش خدمات

● بیش از این گفته شد که سهم بخش خدمات در تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت از ۲۸/۵ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۴۱/۹ درصد در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت (جدول شماره ۸ شماره قبل). این آمار به خوبی نمایانگر تحول در بخش خدمات و افزایش نقش آن در اقتصاد کشور است.

در متون اقتصادی، بخش خدمات از اجزائی تشکیل شده که به زوایت بانک مرکزی ایران به ۶ جزء تقسیم شده و عبارتند از (۱) بازرگانی، رستوران، هتلداری. (۲) حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات. (۳) خدمات مؤسسات مالی و پولی. (۴) خدمات مستغلات و خدمات حرفه ای و تخصصی. (۵) خدمات عمومی (۶) خدمات اجتماعی و شخصی و خانگی. به این ترتیب اگر بخش خدمات در سالهای مذکور از نقش فزاینده ای در اقتصاد کشور برخوردار شده و سهم بسزائی در افزایش درآمد ملی و در نتیجه درآمد سرانه داشته، باید چگونگی تحول هریک از ۶ جزء فوق مورد بررسی قرار گیرد، تا مشخص گردد که بخش خدمات خود به اتکا کدامیک از این اجزا رشد یافته و دلیل توسعه این اجزاء چه عواملی می توانست باشد.

پیش از پرداختن به بررسی فوق، تذکر این نکته لازم است که در بخشهای کشاورزی، صنعت و نفت، این امکان وجود داشت که هر چند به اختصار سیمائی از تحولات هر بخش از اواخر دوره قاجار تا سال ۱۳۵۷ ارائه شود، اما به دلیل فقدان آمار از یکسو و گستردگی بخش خدمات از سوی دیگر چنین امری برای این بخش ممکن نشد. بخصوص که مواردی مثل رستوران و هتلداری، خدمات مستغلات و ارتباطات و خدمات عمومی (از قبیل بهداشت و آموزش)، نه تنها تا مدت‌های مدیدی گمنام و کم رونق بوده اند، بلکه از نظر مصادیق عملی نیز در طی زمان چنان تحولی را پشت سر گذاشته اند، که نمی توان تنها از اعداد و ارقام در توضیح آنها کمک گرفت.

با توجه به نکته فوق، در زیر تحولات بخش خدمات و اجزاء آن در سالهای ۱۳۳۸-۵۶ بیان می گردد. از آنجا که این فاصله زمانی برنامه های سوم، چهارم و پنجم را دربر می گیرد، بخوبی می تواند نمایانگر تحولات این بخش در سالهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی باشد.

* بخش خدمات در سالهای ۱۳۳۸-۵۶

بر اساس جدول شماره ۹، ارزش افزوده بخش خدمات در فاصله سالهای ۱۳۳۸-۵۶، مستمراً در حال افزایش بوده و میزان آن از ۱۹۱/۳ میلیارد ریال (به قیمت ثابت) در سال ۱۳۳۸ به ۱۶۴۲/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافته و به عبارت دیگر ۸/۵ برابر شده است. علیرغم آنکه این افزایش مطلق از روندی صعودی در تمامی سالهای مورد بررسی برخوردار است، معالک سهم آن در تولید ناخالص ملی در فاصله سالهای ۱۳۳۸-۵۲ تقریباً از تحول چشمگیری برخوردار نبوده و تنها در طی برنامه پنجم سهم آن شدیداً افزایش یافته و از ۲۶/۵ درصد در سال ۱۳۵۲ به ۴۱/۹ درصد در سال ۵۶ رسیده است. با توجه به آنکه در فاصله سالهای ۱۳۳۸-۵۶ سهم بخش کشاورزی در

تولید ناخالص ملی، روندی نزولی داشته و سهم بخش صنعت - گروه از روندی صعودی برخوردار بوده - تغییرات در ارقام آن چشمگیر نبوده است. این رو رابطه نزدیکی بین تحول در بخش خدمات و درآمدهای نفتی رجا داشته است. به بیان دیگر با افزایش درآمدهای نفتی و افزایش سهم آن در تولید ناخالص ملی، سهم بخش خدمات تقریباً ثابت و در حد ۱/۴ کل باقی ماند، اما کاهش درآمدهای نفتی در چند سال آخر عمر رژیم سابق، بخش عمده ای از تولید ناخالص ملی به عهده بخش خدمات گذاشته شد.

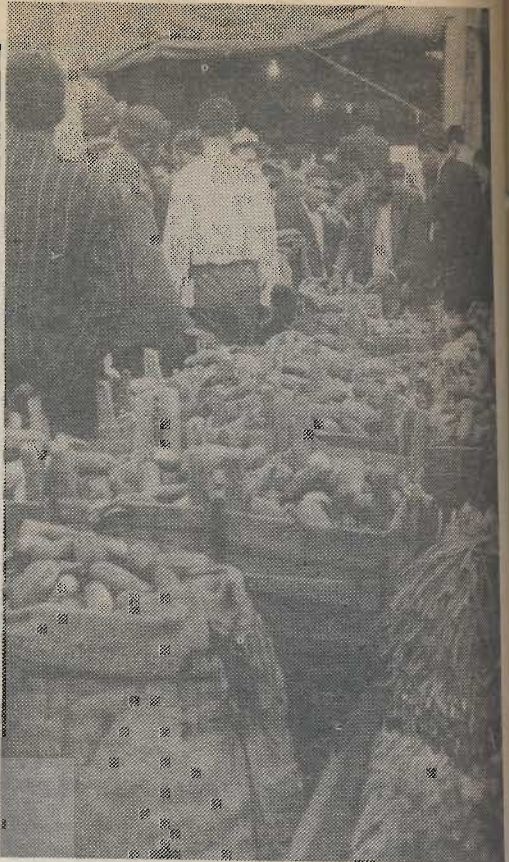
در عین حال چنانچه بر اساس آمار جدول شماره (۸) سهم نفت در تولید ناخالص ملی و سهم خدمات باهم و یکجا در نظر گیریم، مشخص می شود که طی سالهای ۱۳۳۸-۵۶، این دو بخش روی هم ۶۸ تا ۷۹ درصد از تولید ناخالص ملی را بدست داده اند. به بیان دیگر، درآمدهای نفتی (همراه با وام و کمکهای بیلاعوض) گرچه، در بخش صنعت و کشاورزی نیز بکار گرفته شده، معالک موجبات رونق و گسترش بخش خدمات را فراهم آورد و از آنجا که این خدمات بر اساس آنچه در جامعه قبل از انقلاب تجربه شد، عمدتاً در سطح نواحی شهری گسترش یافته بود، به رابطه نزدیک نفت و خدمات شهر پی برده می شود. توسعه نواحی شهری و گسترش خدمات، نه تنها در شرایط بی توجهی به بخش کشاورزی موجبات مهاجرت از روستا به شهر را (به عنوان یکی از دلایل این مسئله) فراهم می نمود، بلکه با توزیع ناعادلانه درآمد بین احاد جامعه، عملاً سطوح مصرفی مختلفی را بوجود می آورد.

و درحالی که هر نفر از بالاترین گروه هزینه، ۳۳ درصد از هزینه های ماهانه خود را که بالغ بر ۱۱۷۱۱۷/۱ ریال بوده است، صرف خدمات مورد نیاز خود در سال ۱۳۵۶ می کرد. در پایین ترین گروه هزینه هر نفر تنها ۲۲۸۴۴ ریال از کل هزینه خود (یا در واقع ۱۲ درصد آن) را می توانست صرف خدمات نماید. جدول شماره (۹): میزان ارزش افزوده بخش خدمات و سهم آن در تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل در سالهای ۱۳۳۸-۱۳۵۶

سال	ارزش افزوده میلیارد ریال	سهم در تولید ناخالص ملی %	سال	ارزش افزوده میلیارد ریال	سهم در تولید ناخالص ملی %
۱۳۳۸	۱۹۱/۳	۲۸/۵	۱۳۴۸	۲۸۲/۳	۲۵/۲
۱۳۳۹	۲۱۵/۸	۲۹/۵	۱۳۴۹	۴۸۹/۶	۲۵/۲
۱۳۴۰	۲۲۱/۱	۲۷/۶	۱۳۵۰	۵۶۲/۱	۲۵/۶
۱۳۴۱	۲۳۹/۸	۲۶/۸	۱۳۵۱	۶۹۹/۱	۲۷/۳
۱۳۴۲	۲۴۱/۶	۲۶/۶	۱۳۵۲	۷۴۳/۵	۲۶/۵
۱۳۴۳	۲۵۶/۶	۲۷/۳	۱۳۵۳	۱۰۲۶/۰	۲۷/۲
۱۳۴۴	۳۰۹/۱	۲۷/۶	۱۳۵۴	۱۲۰۵/۷	۲۷/۲
۱۳۴۵	۳۳۷/۵	۲۷/۲	۱۳۵۵	۱۵۱۱۷/۱	۲۹/۶
۱۳۴۶	۳۳۷/۸	۲۷/۲	۱۳۵۶	۱۶۴۲/۴	۳۱/۹
۱۳۴۷	۴۰۶/۲	۲۶/۲			

● تغییرات اجزای بخش خدمات در سالهای ۱۳۳۸-۱۳۵۶
جدول شماره ۱۰ نمایانگر سهم هریک از اجزاء بخش خدمات در سالهای

سال	بازرگانی، رستوران و هتلداری	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	خدمات موسسات مالی و پولی	خدمات مستقلات خدمات حرفه‌ای و تخصصی	خدمات عمومی	خدمات اجتماعی و شخصی خانگی
۱۳۳۸	۲۸/۴	۱۵/۷	۲/۹	۲۰/۵	۱۲/۶	۸/۹
۱۳۳۹	۳۵/۳	۱۴/۶	۳/۳	۱۹/۶	۱۸/۲	۹/۱
۱۳۴۰	۳۴/۵	۱۵/۰	۳/۹	۴۰/۳	۱۶/۳	۱۰/۰
۱۳۴۱	۳۴/۴	۱۳/۷	۳/۸	۲۰/۸	۱۶/۴	۱۰/۹
۱۳۴۲	۳۲/۰	۱۳/۵	۳/۹	۲۱/۰	۱۸/۵	۱۱/۰
۱۳۴۳	۳۰/۰	۱۳/۷	۴/۴	۲۰/۴	۲۰/۲	۱۱/۲
۱۳۴۴	۲۷/۳	۱۳/۴	۴/۲	۱۹/۱	۲۳/۳	۱۲/۶
۱۳۴۵	۲۷/۶	۱۲/۸	۴/۵	۲۰/۳	۲۱/۹	۱۲/۹
۱۳۴۶	۲۶/۰	۱۳/۰	۴/۸	۲۰/۳	۲۴/۵	۱۳/۳
۱۳۴۷	۲۴/۸	۱۰/۰	۶/۰	۲۰/۰	۲۵/۶	۱۳/۶
۱۳۴۸	۲۳/۰	۱۰/۰	۶/۵	۱۹/۰	۲۷/۹	۱۳/۶
۱۳۴۹	۲۱/۱	۱۱/۰	۷/۹	۲۰/۱	۲۷/۵	۱۲/۴
۱۳۵۰	۲۲/۰	۱۰/۸	۷/۴	۱۹/۸	۲۸/۷	۱۱/۲
۱۳۵۱	۲۳/۸	۱۲/۸	۸/۰	۱۹/۱	۲۵/۷	۱۰/۶
۱۳۵۲	۲۰/۰	۱۴/۴	۱۰/۷	۲۱/۷	۲۱/۰	۱۲/۰
۱۳۵۳	۱۷/۷	۱۳/۰	۱۴/۰	۲۱/۰	۲۴/۵	۹/۷
۱۳۵۴	۱۸/۵	۱۴/۰	۱۴/۴	۲۲/۵	۲۱/۰	۹/۴
۱۳۵۵	۱۷/۵	۱۴/۶	۱۳/۲	۲۰/۷	۲۳/۷	۱۰/۳
۱۳۵۶	۱۵/۷	۱۵/۸	۱۴/۲	۲۲/۳	۲۱/۰	۱۱/۰



۱۳۳۸۵۶ می باشد. براساس این جدول:

سهم بازرگانی، رستوران و هتلداری روندی نزولی داشته و میزان آن از ۲۸/۴ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۱۵/۷ درصد در سال ۱۳۵۶ تنزل یافت. سهم حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات در سال ۱۳۳۸ برابر با ۱۵/۷ درصد بود. این میزان تا پایان برنامه چهارم روندی نزولی داشت، اما در برنامه پنجم اندکی به سهم آن افزوده شده و مجدداً در سال ۱۳۵۶ به سطح ۱۵/۸ رسید. به این ترتیب میتوان گفت که علیرغم تغییرات سهم این جزء از بخش خدمات در طی زمان سهم آن از کل بخش خدمات در حد ۱۵/۷ درصد ثابت ماند. سهم خدمات موسسات مالی و پولی، از ابتدای برنامه سوم که برابر با ۳/۸ درصد بود. روندی صعودی داشته و میزان آن در پایان برنامه پنجم به ۱۴/۲ درصد افزایش یافت.

سهم خدمات مستقلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی در سال ۱۳۳۸ برابر با ۱۰/۵ درصد بود، و علیرغم تحولات آن در طی زمان میزان آن در برنامه پنجم اندکی افزایش یافته و در سال ۵۶ به ۲۲/۳ درصد رسید. به عبارت دیگر این جزء در مجموع ۲۰ درصد از بخش خدمات را در برمی گرفته است. سهم خدمات عمومی که در سال ۱۳۳۸ برابر ۱۲/۶ درصد بود، تا پایان برنامه چهارم روندی صعودی داشته، به نحوی که میزان آن در سال ۱۳۵۰ به بالاترین حد خود یعنی ۲۸/۷ درصد رسید. اما پس از این و در طی برنامه پنجم سهم آن با تغییراتی رو به رو بوده و سرانجام در سال ۵۶ به ۲۱ درصد تنزل یافت. با این وجود، در فاصله ۱۳۳۸-۵۶ سهم این جزء در بخش خدمات افزایش یافت، به نحوی که از ۱۲/۶ درصد به ۲۱ درصد رسید.

سهم خدمات اجتماعی و شخصی خانگی که در سال ۱۳۳۸ معادل ۸/۹ درصد بود، تا اولین سالهای برنامه چهارم روندی صعودی داشته و در سالهای ۴۸-۴۷ به بالاترین حد خود یعنی ۱۳/۶ درصد دست یافت. اما پس از این باروندی نزولی رو به رو بوده، به نحوی که در پایان برنامه چهارم به ۱۰/۶ درصد رسید. سهم این جزء در پایان برنامه پنجم به ۱۱ درصد رسید. در مجموع این جزء در طی زمان از تغییرات چشمگیری برخوردار نبود، و بطور متوسط ۱۰ درصد از بخش خدمات را در بر می گیرد.

به این ترتیب در فاصله زمانی ۱۳۳۸-۵۶، سهم بازرگانی، رستوران و هتلداری کاهش، سهم حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، سهم خدمات مستقلات، و خدمات حرفه‌ای و تخصصی، و بالاخره سهم خدمات اجتماعی، شخصی خانگی تقریباً ثابت و سهم خدمات موسسات مالی و پولی و خدمات عمومی افزایش یافت. علاوه بر این، علیرغم تغییر در سهم هر یک از اجزاء

در سالهای پایانی برنامه دوم (۱۳۴۰)، برنامه سوم (۱۳۴۶)، برنامه چهارم (۱۳۵۱) و برنامه پنجم (۱۳۵۶) به ترتیب ۷۱/۱، ۶۸/۸، ۶۸/۶ و ۵۹/۱ درصد از بخش خدمات را سه جزء بازرگانی و رستوران و هتلداری، خدمات مستقلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی، و بالاخره خدمات عمومی بوجود می آورده است. به بیان دیگر، در تمامی این سالها حداقل ۶۰ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات حاصل فعالیت در سه جزء مذکور بوده است. به منظور بی بردن به دلایل اهمیت بیشتر سه جزء مذکور در بخش خدمات و چگونگی ارتباط این سه با دیگر اقدامات و فعالیتهایی که در بخشهای اقتصادی کشور صورت گرفت، لازم است ابتدا تعاریف دقیقتری از آنها بیان گردد. بانک مرکزی هر یک از اجزاء فوق را به شرح زیر تعریف می کند:

۱) جزء اول (بازرگانی، رستوران و هتلداری) مشتمل بر عمده فروشی، خرده فروشی، رستورانها و هتلهاست. عمده فروشی عبارت است از فروش مجدد (بدون تغییر شکل) کالا به خرده فروشان، مصرف کنندگان صنعتی، تجار و موسسات دولتی و عملیاتی خرید و فروش که به این ترتیب، شامل نمایندگان انحصاری و وارد کنندگان عمده کالاهای وارداتی و نیز نمایندگان انحصاری و توزیع کنندگان عمده کالاهای تولیدی است. خرده فروشی عبارت است از فروش مجدد (بدون تغییر شکل) کالاهای نو و مستعمل به خانوارها و مصرف کنندگان نهائی توسط مغازه‌ها، فروشگاههای بزرگ، شرکتهای تعاونی مصرف، دستفروشها و دوره گردان و نظایر آن. رستورانها شامل کلیه مراکز عرضه نوشیدنیها و اغذیه فروشیها و تریاها و غیره و بالاخره فعالیت هتلها در برگیرنده خدمات هتلها، مسافرخانه‌ها، اردوگاهها و تسهیلات توریستی (که در مقابل پرداخت وجه قابل استفاده اند) است.

۲) جزء دوم، خدمات مستقلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی است: خدمات مستقلات شامل بهره برداری از ساختمانهای مسکونی و غیر مسکونی اجاره‌ای و نیز فعالیت بنگاههای معاملات ملکی است. خدمات حرفه‌ای و تخصصی نیز شامل خدمات حقوقی وکلای دادگستری، خدمات حسابداری، حسابرسی و دفتری، خدمات مهندسی و معماری، فنی و مشاوره است.

۳) جزء سوم، خدمات عمومی، شامل کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی، شهرداریها و سازمان تامین اجتماعی است. از میان بخشهای مختلف اجزاء سه گانه مذکور، بر نقش و اهمیت سه گروه عمده فروشی - خرده فروشی، خدمات مستقلات، و خدمات عمومی تاکید می شود. گروه اول (عمده فروشی، خرده فروشی) توزیع کننده کالاهای وارداتی و تولیدی است، که در واقع توزیع کالاهای تولیدی، خود توزیع کالاهای